



ارمغان اعتکاف برای در امان ماندن انسان از خسران

پژوهشگر حوزه دین با بیان اینکه اعتکاف فرصتی است که انسان را از خود رها کرده و به خدا می‌رساند، گفت: دستاورد اعتکاف در فرآیند تربیتی این است که انسان در انتهای اعتکاف به عصاره‌ای دست پیدا کند که قرآن کریم در سوره عصر بدان قسم می‌خورد.

پژوهشگر حوزه دین با بیان اینکه اعتکاف فرصتی است که انسان را از خود رها کرده و به خدا می‌رساند، گفت: دستاورد اعتکاف در فرآیند تربیتی این است که انسان در انتهای اعتکاف به عصاره‌ای دست پیدا کند که قرآن کریم در سوره عصر بدان قسم می‌خورد.

اعتکاف به معنای ماندن در جایی یا همراه بودن با چیزی است. در شرع مقدس اسلام، اعتکاف به عمل خاصی گفته می‌شود که در آن انسان به انگیزه نزدیکی جستن به خداوند متعال، دست کم سه روز در مساجد معینی مانند مسجدالحرام و مسجد النبی و مسجد جامع هر شهر اقامت کند. به کسی که این عمل نیکو و عبادت خالصانه را انجام دهد، مُعْتَكِف می‌گویند.

شاید برخی تصور کنند که اعتکاف، نوعی رهبانیت است. رهبانیت هم مورد مذمت اسلام است و معصومین(ع)، در روایات متعدد، رهبانیت را از اسلام جدا دانسته‌اند. پس اعتکاف در تعالیم دینی جایگاهی ندارد. اما این شبهه در حقیقت ناشی از درنیافتن معنای رهبانیت است. آنچه مورد مذمت اسلام واقع شده است، کناره‌گیری از جامعه و گوشه‌نشینی است. اما خلوت نشینی، انس و توجه به خدا در تنهایی، نه اعتکاف است، بلکه سیره پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) بوده است.

کمال اعتکاف آن است که انسان عقل و دل و دیگر اعضای بدنش را فقط به اعمال صالح متوجه کند. معتکف باید فکر و جان خود را با مراقبه به خوبی کنترل کند و از چیزهایی که روزه دار باید از آن‌ها بپرهیزد، کاملاً خودداری کند، بلکه دقت و مراقبه معتکف باید به مراتب بیشتر از روزه‌دار باشد؛ زیرا او هم روزه‌دار است و هم معتکف. او با خدای خود عهد می‌کند که با تمام وجود به او روی آورد و رویگردانی و غفلت از او را کنار نهد.

ایکنا در رابطه با اثرات تربیتی اعتکاف و چگونگی حفظ و تداوم معنویت به دست آمده از آن در طول ایام سال به گفت و گو با معصومه میررحیمی، پژوهشگر حوزه دین و دکترای فلسفه و کلام پرداخته است که مشروح آن را در ادامه مطالعه می‌کنید.

ایکنا - چه جنبه‌های تربیتی در اعتکاف وجود دارد که می‌توان از آن‌ها بهره برد؟

اگر با دقت کافی به واژه اعتکاف بنگریم، مشخص می‌شود که اعتکاف مصدر باب افتعال و به معنی درنگ کردن، ادامه دادن و خلوت‌گزینی برای اندوختن سرمایه است. به عبارتی اعتکاف به لحاظ لغوی فرصت و خلوتی است که انسان بتواند در آن برای خود سرمایه‌ای را جمع‌آوری کند. سرمایه چیزی است که در درون انسان ذخیره شده و عصاره وجودی انسان می‌شود و به نوعی اگر بخواهیم درون فرد را واکاوی کنیم، زمانی که در بحران قرار می‌گیرد، گویی محتوایی که در درون خود به صورت سرمایه ذخیره کرده، خود را نشان داده و جلوه می‌کند. اعتکاف به تعبیری فرصتی برای ارائه این پس‌اندازها و سرمایه‌هاست تا انسان بتواند زمانی که در شرایط ویژه‌ای قرار می‌گیرد، نه تنها این سرمایه‌ها و محتوای درونی خود را بروز دهد، بلکه بتواند جریان‌سازی نیز داشته باشد. این مسئله بدان معناست که سرمایه درونی انسان راکد نبوده و جریان‌سازی می‌کند.

اعتکاف فرصتی برای ذخیره کردن و جمع‌آوری کردن سرمایه‌های درونی است. زمانی که قرآن کریم به عصر و زمان سوگند یاد می‌کند، این عصر همان عصاره‌ای است که هر انسانی باید از آن برخوردار باشد و گرنه دچار نوعی پوچی و بحران شده و نمی‌تواند در شرایط خاص حقیقت و سرمایه خود را آشکار کند. انسان در زندگی خود فرآیند رنج را تجربه می‌کند. فرآیند رنج همان فشرده‌سازی است و انسانی در این مسیر موفق است که از سرمایه‌های درونی برخوردار باشد و گرنه دچار خسران خواهد شد.

ارمغان اعتکاف برای در امان ماندن انسان از خسران

اعتکاف فرصتی برای پس‌انداز و ذخیره کردن سرمایه درونی است. همچنین، بحث انتظار کشیدن نیز از جمله موارد مربوط به اعتکاف است؛ چراکه انسان با خلوت‌گزینی، انتظاری را تجربه کرده و به دنبال دستاوردی است که بدان دست پیدا کند و این دستاورد نیز همان سرمایه و ذخیره درون است. دستاورد اعتکاف در فرآیند تربیتی این است که انسان در انتهای اعتکاف به عصاره

ای دست پیدا کند که قرآن کریم در سوره عصر بدن قسم می خورد. خلوت گزینی یکی از واژه های بسیار مهم در رابطه با مسئله اعتکاف است. زمانی که فرآیندی را به نام اعتکاف تجربه می کنیم، از امیال و اغیار دور می شویم و محیطی را برای خود انتخاب می کنیم که تجربه خلوت بودن را برای ما مهیا کند. خلوت داشتن به معنای این نیست که همه را کنار بزنیم، بلکه بدن معناست که فرد، یک دیگری را انتخاب کرده و با خود به خلوت می برد. هر فردی دارای دیگری برای خود است که این دیگری ممکن است خود فرد و یا شخص دیگری باشد. در اعتکاف فرد با خود خلوت می کند و دیگری او در این مسیر خود اوست.

در اعتکاف هیچ چیزی وجود ندارد. خلوت انسان ممکن است با خود و یا بسیاری از افراد یا اشیا شکل گیرد. گاهی اوقات این خلوت به معنی دیگری انسانی نیز است که ممکن است همسر، فرزندان و یا ... باشد. گاهی اوقات نیز این خلوت از نوع متعالی آن یعنی خلوت با خداست. چگونه اتفاق افتادن این مسئله بسیار مهم است؛ چراکه در این مسیر انسان به دنبال ارتباط با خدای حقیقی خود است. به صورت کلی دیگری ها دو دسته هستند. گاهی اوقات این دیگری ها کمک می کنند که انسان به خود واقعی و اصیل نزدیک شده و گاهی اوقات نیز او را از خود دور می کنند. البته ممکن است که بودن با این دیگری ها لذت آبی برای انسان داشته باشد اما باعث دوری او از خود واقعی می شود.

زمانی خلوت با یک شخص ممکن است که کمک کند تا انسان به حقایق درونی خود پی برده و به خود اصیل نزدیک شود اما گاهی اوقات این موضوع برعکس بوده و ممکن است فردی باعث شود تا انسان به سطح و ظاهر رسیده و به هیچ گونه آگاهی دست پیدا نکند. اگر یک غیر بتواند انسان را به خود اصیل نزدیکتر کند، ماندگاری، هوشیاری و آگاهی برای انسان ایجاد می کند. این غیر یا دیگری به نوعی وسیله ارتباط انسان با خود می شود. این تجربه ممکن است در رابطه انسان با هستی نیز رخ دهد. اعتکاف فرصتی است تا انسان بتواند دیگری های ناب و اصیل را پیدا کند تا این دیگری به او کمک کند تا عمق ابعاد وجودی خود را بهتر پیدا کرده و بشناسد.

برخی اغیار وجود دارند که سیاه و خاکستری بوده و اجازه نمی دهند تا انسان به ابعاد وجودی خود پی ببرد و بتواند لایه های درونی خود را به دست آورد. اعتکاف نوعی انتخاب دیگری در خلوت برای انسان است و بهتر است انسان یک دیگری ناب و اصیل را انتخاب کند که برای او حجاب نشده و بلور و شفاف باشد و کمک کند تا انسان به خود حقیقی دست پیدا کند. باطن همه چیز خداست و ارتباطی که از بستر خود انسان به خدا برسد، زیباترین ارتباط است. اگر انسان بتواند فرصتی برای خود ایجاد کند که در آن تعامل را با خود حقیقی خود برقرار کند و دیگری هایی را در اعتکاف انتخاب کند که به ایجاد ارتباط ناب بین انسان و خدا کمک کنند، این اتصال و شفافیت رخ می دهد. از این دیگری در میانی دینی با عنوان ولی یاد می شود که همان عشق، حب و محبت است که شفاف بوده و کاری می کند که انسان به خود نزدیک شده و باطن او به شناخت خدا دست پیدا کند. در نقطه مقابل زمانی که انسان خدا را فراموش می کند، باطن حقیقی او فراموش می شود. اگر انسان با خدا ارتباط برقرار نکند، فقیر و پوچ خواهد شد؛ چراکه حقیقت وجودی هر موجود و گوهر ناب هستی خداوند است.

اعتکاف فرصتی است برای اینکه از دیگری هایی کمک بگیریم که به حقیقت و خدا نزدیک شویم، یعنی دیگری هایی که خود حجاب نیستند بلکه خود به کنه حقیقت خود رسیده اند و کمک می کنند که ما نیز این سفر ناب را به خوبی طی کنیم. اعتکاف فرصتی برای خلوت انسان با خود ناب، هستی ناب و دیگری نابی است که کمک کنند تا انسان به حقیقت هستی و وجود اصیل دست پیدا کند که همان خداست. انسان گاهی اوقات ممکن است با دیگری ها و اغیاری به اعتکاف بروند که ناب و اصیل نیستند و او را به حقیقت نمی رسانند. اعتکاف تجربه خلوت گزینی و انتخاب دیگری ناب است تا انسان را به خود ناب و اصلش وصل کند.

در قرآن کریم آمده است که انسان باید به خود توجه کند. یکی از بحث های مهم اعتکاف، خلوت انسان با خود است. انسان باید در این خلوت بازگشته و زندگی خود را مشاهده کند که آیا در دوران زندگی خود توانسته تا سرمایه کسب کند. اعتکاف فرصتی است تا انسان بتواند دوباره به سرمایه های خود نگریسته و درنگ کند تا بتواند مسیر زندگی خود را ادامه دهد. بقیه مسیر به معنی زندگی در ظاهر نیست، بلکه به معنی عمق زندگی است. انسان باید به گونه ای در اعتکاف درنگ کند و بتواند مانند یک غواص در عمق هستی غوطه ور شود. لذتی که ایام اعتکاف دارد، لذت ماندگاری است که از بین نمی رود و لذت آن در کل زندگی باقی می ماند. این لذت معنوی با لذایذ خلوت های ظاهری که لذتی آبی و ساعتی دارند، متفاوت است.

اعتکاف تجربه ماندگاری است که انسان در عین آن تجربه مستی شیرین و خاص دیگری را تجربه می کند. تجربه حقیقت و هستی، تجربه ماندگاری است که انسان از آن غافل نیست و در آن لحظات لذت برده و از سطح به عمق می آید و چنان روح وسیع و بزرگی به دست می آورد که بتواند کل هستی را در خود جا دهد. انسان باید از فرصت اعتکاف برای رسیدن به خود اصیل و در پی آن رسیدن به حقیقت اصیل هستی یعنی همان پروردگار دست پیدا کنیم. «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدَ عَرَفَ رَبَّ» انسان به میزانی که به خود حقیقی نزدیک می شود، به رب و خداوند متعال که تمامی وجود اوست، نزدیکتر می شود.

ایکنا - چگونه حس و حال معنوی دوران اعتکاف برای انسان ماندگار و پایدار خواهد ماند؟

انسان برای سیر و سفر نیازمند سرمایه اولیه است. سرمایه اولیه انسان از مطالعه و ارتباط با دیگرانی که تجربه زیادی در حوزه خودشناسی و معرفت شناسی داشته اند به دست می آید. تجربه، حس و فهم دعا و متون مقدس از جمله قرآن کریم و احادیث اهل بیت(ع) که عمق زیادی دارند، باعث می شود تا انسان به خود نزدیکتر شود. ارتباط انسان با این معنویات بسیار ناب تر است. البته ممکن است که انسان در ابتدا، به دلیل حجاب های روحی نتواند رابطه خوبی در این زمینه برقرار کند، اما باید در این مسیر دیگری های ناب از جمله قرآن و اهل بیت(ع) سرلوحه قرار داده و تجربه و عصاره درونی خود را زیاد کند.

مراوده زیاد انسان با این معنویات و دیگری های ناب بعد از مدتی درب ها را باز کرده و انسان را دارای ثبات و استحکام قدم می کند. این ارتباط اگر به خوبی رخ دهد، انسان سرمایه فراوانی جمع می کند. بسیاری از افراد این تجربه را داشته اند. ادعیه و متون دینی و این گونه سرمایه ها به مدد انسان خواهند آمد. همچنین، خلوت گزینی در شب، ارتباط با قرآن و ادعیه ناب به انسان عصاره وجودی می دهد. انسان باید در طول زمان تجربه های ناب را کسب کند. همچنین، می تواند تجربه های ناب ادیان و عرفان های دیگر را نیز تجربه کند تا به ناب بودن متون مقدس بیشتر پی برده و به عمق عبارات بزرگان دست پیدا کند و از این طریق به اصل هستی که ذات ناب الهی است، دسترسی داشته باشد.

اعتکاف باعث افزایش سرمایه انسان خواهد شد و این سرمایه که به سرمایه اولیه انسان افزوده می &irm;شود، در طول ایام باقی خواهد ماند. حتی اگر انسان سرمایه &irm;ای نیز نداشته باشد، می تواند این سرمایه را در اعتکاف به دست آورد. اعتکاف می تواند فرصت درون نگری به انسان دهد تا بفهمد که تا چه میزان عصاره در وجود دارد. انسان نیازمند این فرصت است تا از غوغای جامعه و بیرون راحت شده و به خود نزدیک شود. دنیای امروز دنیایی است که می خواهد انسان از خود دور شود. یکی از مهمترین اتفاقات دنیای امروزی، همین دوری انسان ها از خود و پرداختن به لذت های زودگذر است. انسان باید به لذایذ معنوی عمیق و ماندگار در زندگی خود دست پیدا کند که متأسفانه عده ای تا پایان عمر خود نیز از آن بی بهره هستند.

گفت وگو از فاطمه بختیاری